

گفتگو

۱۴
در تاریخ هنر و معماری ایران زمین
فصلنامه، سال چهارم، شماره ۴ (شماره پیاپی ۱۴)
زمستان ۱۳۸۷

گولستان

در تاریخ هنر و معماری ایران زمین

فصلنامه، سال چهارم، شماره ۴ (شماره پیاپی ۱۴)، زمستان ۱۳۸۷
شاپا: ۳۸۹۰-۱۷۳۵
دارای اعتبار علمی- پژوهشی از نظر فرهنگستانهای چهارگانه جمهوری اسلامی ایران

صاحب امتیاز: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران
مدیر مسئول: میرحسین موسوی
سردبیر: مهرداد قیومی بیدهندی

اعضای هیئت تحریریه:
یعقوب آژند استاد دانشگاه تهران
زهره اهری استادیار دانشگاه شهید بهشتی
شهرام یازوکی دانشیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
اکبر حاجی ابراهیم زرگر استاد دانشگاه شهید بهشتی
سید مهدی حسینی استاد دانشگاه هنر و عضو پیوسته فرهنگستان هنر
محمد رضا رحیم زاده استادیار دانشگاه شهید بهشتی
زهره رهنورد استاد دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان هنر
مهرداد قیومی بیدهندی استادیار دانشگاه شهید بهشتی و عضو وابسته فرهنگستان هنر
هایده لاله استادیار دانشگاه تهران
هادی ندیمی استاد دانشگاه شهید بهشتی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم

ویراستاران: ولی الله کاوسی، مهدی مقیسه
مترجم خلاصه انگلیسی: مریم قیومی
طراح جلد: سیدپارسا بهشتی شیرازی
امور دفتری: طیبه ایللیات

لیتوگرافی: فرارنگ
چاپ و صحافی: شادرنگ؛ کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص کرج،
بعد از چهارراه ایران خودرو، خ ۴۹، ک دوم، ش ۸،
تلفن: ۴۴۱۹۴۴۲

نشانی دفتر مجله: تهران، خ ولی عصر (ع)، جنب پارک ساعی، ش ۱۱۰۵،
کد پستی ۱۵۱۱۹۱۳۵۱۱
تلفن و دورنگار: ۸۸۷۲۸۱۵۲
نشانی شبکه: www.honar.ac.ir/golestanehonar.htm
پست الکترونیکی سردبیر: Qayyoomi@eah.org

- سیدمحسن حبیبی، رعناسادات حبیبی ♦ صورخیالِ مکتب شهرسازی اصفهان در نگاره‌ها ♦ ۵
- امیرحسین کریمی، پرویز هلاکویی ♦ معماری و تزیینات بنای پیرحمزه سبزویش ابرکوه
و بررسی انتساب آن به آرامگاه عزیزالدین نسفی ♦ ۱۸
- علمدار حاجی محمدعلیان ♦ محوطه تاریخی سپزوی نایین ♦ ۳۰
- محسن جاوری ♦ یافته‌های تازه در میدان عتیق اصفهان ♦ ۳۵
- هایدی والشیر ♦ در میانه فردوس و دارالسلطنه: نشانه‌شناسی اصفهان صفوی ♦ ترجمه اردشیر اشراقی ♦ ۴۰
- نزار الضیاد ♦ مدل‌سازی شهرهای سنتی اسلامی ♦ ترجمه مریم قیومی ♦ ۵۵
- رابرت هیلنبرند ♦ جنبه‌های معماری تیموری در آسیای میانه ♦ ترجمه داود طبایی ♦ ۶۵
- ساناز رنجی، حسین سرپولکی ♦ سیر تحول لعاب سالادون ♦ ۸۳
- آگ گرابار ♦ تأملی در هنر قاجاری و اهمیت آن ♦ ترجمه ولی‌الله کاوسی ♦ ۹۵
- ولادیمیر مینورسکی ♦ عوامل جغرافیایی در هنر ایرانی ♦ ترجمه داود طبایی ♦ ۹۹
- هاشم بناءپور ♦ بررسی کتاب: تاریخچه تقویمی هنر و معماری اسلامی ♦ ۱۱۹

◆ گلستان هنر فصلنامه‌ای است پژوهشی در زمینه تاریخ هنر و مطالعات تاریخی هنر و معماری حوزه تمدنی ایران بزرگ، که در هر فصل منتشر می‌شود.

◆ برای اطلاع از ضوابط تنظیم مقاله به این نشانی مراجعه کنید:
http://www.honar.ac.ir/golestanehonar.htm

◆ گلستان هنر در این موضوعها مقاله می‌پذیرد:

مبانی نظری تاریخ هنر، روشهای تاریخ‌نویسی هنر، منابع تاریخ هنر ایران، مطالعات تاریخی موارث هنری حوزه تمدنی ایران بزرگ (جهان ایرانی)، مطالعات تاریخی هنرهای معاصر ایران، نقد و بررسی کتاب و مقاله، معرفی کتاب.

◆ مقاله خود را به یکی از این نشانیها بفرستید:

۱. Qayyoomi@eiah.org

۲. دورنگار: ۸۸ ۷۲ ۸۱ ۵۲

۳. با پست سفارشی یا پوینتاز به نشانی:

تهران، خ. ولی عصر(ع)، جنب پارک ساعی، ش ۱۱۰۵،

کد پستی ۱۵ ۱۱۹ ۱۳ ۵۱۱

◆ پاسخ داوری هر مقاله حداکثر ۶۰ روز پس از وصول به دفتر مجله از طریق پست الکترونیکی یا دورنگار به صاحب مقاله اعلام می‌شود.

کوتاه نوشتهها و نشانهها

| | | |
|----------|---------|--|
| A.D. | پ | صفحه پشت (در نسخه خطی / عکسی) |
| B.C. | ت | تصویر؛ شکل؛ نمودار؛ جدول |
| c. | ج | جلد |
| ch. | چ | نوبت چاپ |
| ed. | ح | در حدود |
| eds. | حک | حکومت |
| f. | ر | صفحه رو (در نسخه خطی / عکسی) |
| ff. | ر-پ | صفحه رو و پشت (در نسخه خطی / عکسی) |
| fig. | س | سطر |
| figs. | سم | سانتی‌متر |
| ibid. | ش | شماره (قبل از عدد)؛ هجری شمسی (بعد از عدد) |
| idem. | ص | صفحه؛ صفحات |
| no. | (ص) | صلی الله علیه و آله |
| nos. | (ع) | علیه السلام؛ علیها السلام؛ علیهما السلام؛ علیهم السلام |
| op. cit. | ف | فوت |
| p. | ق | هجری قمری (بعد از عدد) |
| pp. | قس | قیاس کنید با |
| pl. | ق م | قبل از میلاد مسیح (بعد از عدد) |
| pls. | گ | برگ |
| r. | م | میلادی (بعد از عدد) |
| transl. | م م | میلی‌متر |
| v. | — م. | مترجم |
| vol. | نک: | نگاه کنید به؛ رجوع کنید به |
| vols. | و | ولادت |
| | — و. | ویراستار |
| | همان | همان مؤلف، همان اثر (در پی‌نوشت، در ارجاع مکرر به اثری که نشانی آن بلافاصله در قبل آمده باشد)؛ (در کنار نام مؤلف) همان اثر (در پی‌نوشت، در ارجاع مکرر به اثری که نشانی آن با فاصله در قبل آمده باشد) |
| | همان جا | همان مؤلف، همان اثر، همان جلد، همان صفحه (در پی‌نوشت، در ارجاع مکرر به اثری که نشانی آن بلافاصله در قبل آمده باشد) |
| | همو | همان مؤلف، اثر دیگر (در پی‌نوشت، در ارجاع به اثر دیگری از مؤلفی که نام او بلافاصله در قبل آمده باشد) |
| | / | یا؛ جداکننده دو مصرع از یک بیت |
| | [] | مشخص‌کننده اضافات مؤلف یا مترجم یا ویراستار به متن منقول (اعم از تألیف و ترجمه و تصحیح) |
| | { } | مشخص‌کننده اضافات مؤلف یا مترجم یا مصحح اول در مطالب نقل در نقل |
| | _____ | تکرار نام مؤلف (در کتاب‌نامه) |

علمدار حاجی محمدعلیان^۱ محوطه تاریخی سپروی ناین

دوره ساسانیان از دوره‌های مهم تاریخ فرهنگ و معماری ایران زمین است. ساسانیان در دوره ۲۲۶-۶۵۲م) بناها و شهرهای بسیاری ساختند و گسترش دادند که نشان و بقایای برخی از آنها به ما رسیده است. یکی از محوطه‌های تاریخی ساسانی منطقه پاکوه ناین، به‌ویژه مجموعه بناهای ساسانی شیرکوه — در نزدیکی روستای سپرو، از روستاهای ناین — است. نگارنده در سمت سرپرست هیئت باستان‌شناسی، اخیراً این منطقه را بررسی و مطالعه کرده است. در این مقاله، برخی از این یافته‌ها بیان می‌شود.

وضع ویژه آب‌وهوایی ناین، غنای آثار دوران اسلامی، و چشم‌گیری معماری تاریخی همساز با اقلیم در این منطقه موجب شده است بناهای پیش از اسلام ناین، از جمله آثار ساسانی شیرکوه، از چشم محققان پنهان بماند و دست‌کم گزارشی مدون درباره آنها در مجامع و مطبوعات علمی مطرح نشود.

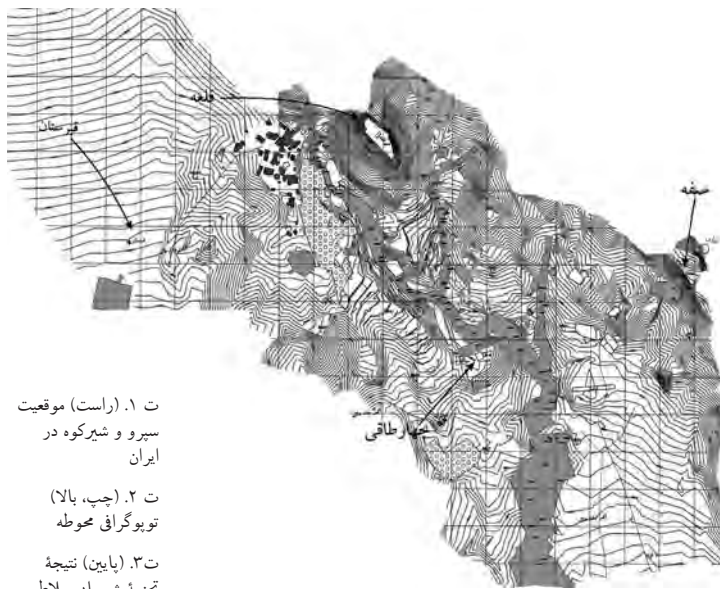
۱. شیرکوه

شیرکوه به محدوده‌ای در ۳۷ کیلومتری شمال غرب ناین و ۴ کیلومتری غرب روستای سپرو اطلاق می‌شود (ت ۱) که شامل سه چشمه آب نیمه‌خشک و چندین زمین کشاورزی و تامین‌کننده آب شرب این روستا است. محوطه تاریخی شیرکوه در قلب محدوده مذکور قرار دارد. این محوطه با ارتفاعات شیرکوه در شمال و تپه‌ماهورهای منفرد در جنوب محصور شده است. اگرچه ارتفاعات جنوبی بلند نیست، حایلی طبیعی است که محوطه را استتار می‌کند (ت ۲). مهمترین ساخته‌ها در این محوطه چهارطاقی و قلعه و صفا است.

۲. چهارطاقی^۲

این چهارطاقی پلانی نزدیک به مربع در ابعاد میانگین ۹۷۰×۹۷۰سم (با حدود ۱۰سم اختلاف) و گنبدی شلجمی شکل دارد. بنا را با قلوه‌سنگ غرقه در ملاط و با اندود گچ ساخته‌اند (ت ۳). منطقه گذار بین پایه و گنبد متشکل از فیل‌پوشهایی با تزئین گچی سه‌خطی است. چهار گوشه بالای پایه چهارطاقی پخهایی دارد. به نظر نگارنده، این پخها نقش سازه‌ای ندارد و آنها را بدین منظور ایجاد کرده‌اند تا تبدیل پایه به گنبد در حجم بیرونی

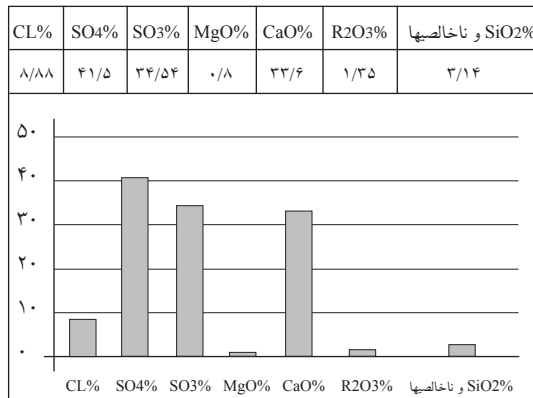
شواهد تاریخی نشان می‌دهد که ناین از مناطق مهم در دوره ساسانیان بوده است. از جمله آثار ساسانی در این منطقه محوطه‌ای است در روستای سپرو که نویسنده مقاله در آن مطالعه باستان‌شناختی کرده است. این محوطه دارای یک چهارطاقی با اندود گچ، قلعه‌ای سنگی، و صفا‌ای است که بناهایی بر آن بوده است. احتمال می‌رود که این محوطه مجموعه‌ای دینی و نظامی بوده باشد که جامعه‌ای کوچک در آن می‌زیسته‌اند.



ت ۱. (راست) موقعیت
سپرو و شیرکوه در
ایران

ت ۲. (چپ، بالا)
توپوگرافی محوطه

ت ۳. (پایین) نتیجه
تجزیه شیمیایی ملاط
چهارطاقی شیرکوه.
ماخذ: رکسانا
جبل عاملی، «گزارش
آنالیز ملاطهای چهار
بنای دوره ساسانی»



با توجه به شیب کوه، احتمالاً آنها را برای جلوگیری از رانش دیوار ایجاد کرده‌اند. باروی قلعه، جز در قسمتی از ضلع شمالی، برجاست. به همین سبب، شاید ورودی قلعه در همین قسمت بوده باشد، که امروز نشانی از آن نیست. تأسیسات داخلی قلعه، به جز در مرکز، به پشته‌هایی کوچک تبدیل شده و در برخی از این پشته‌ها، بر اثر حفاریهای غیرمجاز، آثار ساخت‌وساز عیان شده است. در مرکز قلعه، بنایی مستطیل شکل به ابعاد ۸×۲م در جهت شمال شرقی- جنوب غربی (عمود بر محور اصلی قلعه)، ساخته از سنگ و گچ، قرار دارد. در ضلع جنوبی آن، دو سردر با ابعاد متفاوت، و قرینه آنها در ضلع شمالی تعبیه شده است. هر دو سردر طاق هلالی دارند. ابعاد سردر بزرگتر ۳×۱/۵م است و در قسمت نعل درگاهش تورفتگی دارد. سردر کوچکتر ابعاد ۲×۰/۵م دارد و ناحیه پاتاق آن عقب نشسته است. داخل و خارج بنا را



بنا نیز به نرمی و زیبایی صورت گیرد. همین شگردها و ظریف‌کاریها در منطقه گذار بین پایه چهارگوش و گنبد مدور بود که بعدها در دوران اسلامی صورتهای ظریف‌تر و زیباتری یافت. نوعی از آن، پایه هشت‌گوش زیر گنبد است (ت ۴-۶).

در محوطه، در جنوب و غرب چهارطاقی، پشته‌ای است که شاید بقایای دیوار خشتی عظیمی باشد که چهارطاقی را احاطه می‌کرده است. ابعاد خشتها ظاهراً در حدود ۳۰×۴۰سم بوده است.

طرز استقرار چهارطاقی چنان است که از مرکز آن می‌توان قلعه و صفا را به آسانی مشاهده کرد. از اینجا معلوم می‌شود که این سه بنا با هم ارتباطی سنجیده داشته‌اند. با توجه به اینکه چهارطاقی از دو سو با دیوار خشتی و از دو سوی دیگر با مسیل محصور شده است، می‌توان آن را در زمره چهارطاقیهای مرکب قرار داد. بر همین مبنا، ممکن است در حفاریها فضاهاى دیگر این مجموعه نیز کشف شود. مشخصات سفالینه‌های یافته در پیرامون چهارطاقی نیز اهمیت آن را تأیید می‌کند.

۳. قلعه

این قلعه در شمال محوطه بر فراز کوهی قرار دارد. چون قلعه را ههانگ با سطح طبیعی کوه بنا کرده‌اند، صورتی نامنظم گرفته است. این بنا را نیز، مانند چهارطاقی، از قلوه‌سنگ و ملاط گچ و اندود گچ ساخته‌اند (ت ۷). در ضلع جنوبی آن، سه پیشتیان هلالی شکل هست، که



با مقطع مثلث و نمای مستطیل و سطح گچ‌اندود، تعبیه شده است.

در قسمتی از بدنه شرقی بارو بقایای تعدادی مزغَل (روزن کمین و تیراندازی) در دو ردیف وجود دارد. احتمالاً در اطراف حصار قلعه نیز مزغلهایی بوده که به مرور با تخریب قسمت‌های بالای بارو از بین رفته است. با توجه به ارتفاع مزغلهها، به نظر می‌رسد ساخت‌وسازهای داخلی قلعه در این قسمت دوطبقه بوده، که اکنون تل خاکی بیش نیست.

در نیمه شمالی قلعه، بقایای سه نوع دیوارچینی در کنار هم دیده می‌شود، که قسمتی از آنها بر اثر حفاری غیرمجاز نمایان شده است: (۱) دیوار سنگی قلعه با ملاط گچ و اندود گچ؛ (۲) دیوار خشتی با ملاط گل؛ (۳) دیواری با آجر سرخ‌رنگ و ملاط گچ. با توجه به ترتیب قرار گرفتن سه دیوار پیش‌گفته، به نظر می‌رسد توالی ساخت هر سه دیوار از قدیم‌تر به جدیدتر به همین ترتیبی باشد که یاد شد (ت ۸ و ۹).

شواهد و مدارک موجود بر قدمت ساسانی قلعه صحه می‌گذارد؛ اما قطعاً در دوره‌های بعد از ساخت قلعه بناهایی به آن افزوده‌اند. مرحله اول دگرگونی ساختن دیوار خشتی در جوار باروی سنگی قلعه است. با اطلاعات فعلی نمی‌توان تاریخ دقیق این مرحله را تعیین کرد؛ اما دامنه تاریخ آن احتمالاً بین دوره ساسانی و دوره ایلخانان است. مرحله دوم ساختن دیواری با آجر سرخ‌رنگ در کنار دو دیوار پیشین است. احتمالاً این کار در دوره ایلخانی صورت گرفته است.

در این تحولات، اولاً حصار قلعه تغییر نیافته و احتمالاً



گچ‌اندود کرده‌اند و در قسمت باقی‌مانده نمای گچی بیرون بنا رد انگشتان گچ‌کار به صورت مورب بر گچ دیده می‌شود.^۳ در دوران پیش از اسلام و صدر اسلام از این فن (دست کشیدن بر اندود) برای تحکیم پیوند بین دو لایه اندود استفاده می‌کردند. طاق به شیوه هلالی اجرا شده و بیش از ۶۰٪ آن فروریخته است. در قسمت باقی‌مانده آن داغ‌ترینات فروریخته‌ای دیده می‌شود. با توجه به شکل و سیاق این داغ، احتمال دارد که روکشی تزئینی (قطعاً مستطیل‌شکل) از گچ این بنا را مزین می‌کرده است. در قسمت بالای دیوار، در محل طاق، با گچ قرنیزی ساخته‌اند که اثر بسیاری در تفکیک بصری طاق از دیوار دارد. در قسمت شمالی دو دیوار طولی، دو طاقچه قرینه،

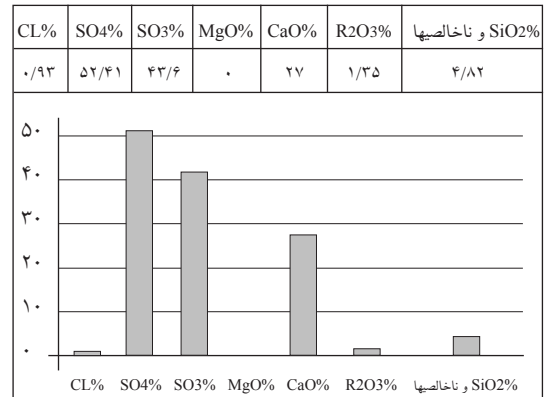


ت۷. (راست) تجزیة
شیمیایی ملاط قلعه
شیرکوه. مأخذ:
جبل عاملی، همان
ت۹-۸. قلعه

سنگ چین صفه و نقطه شروع طاق مزبور، چنین می نماید که قسمتی از دیوار سنگ چین حصار بناهای روی صفه بوده است. قضاوت درباره زمان ساخت صفه و بناهای خشتی روی آن و نیز چگونگی ارتباط بین آنها منوط به کاوشهای باستان شناسی است.

چون چیزی از خشتهای بیرونی بناها سالم نمانده است، نمی توان ابعاد آنها را بدون حفاری را به دست آورد؛ اما از شواهد می توان حدس زد که خشتهای نوع خشتهای بزرگ رایج در معماری پیش از اسلام بوده است. با استناد به بقایای گچی پاتاق موجود نیز می توان حدس زد که اندود داخلی بناها گچ و ملاط آن گل بوده است.

نظر به اینکه مدارک سطحی صفه بسیار اندک است،



به مرمت آن اکتفا کرده اند؛ ثانیاً بنای مرکزی قلعه نیز بی تصرف مانده است.

با آنچه تا کنون می دانیم، درباره کارکرد قلعه نمی توان نظری قاطع داد؛ اما با توجه به مزغلهها، می توان احتمال داد که کارکرد اصلی قلعه دفاعی بوده است؛ با این توضیح:

الف) مزغلهها را در ضلع شرقی، یعنی در همان ضلعی ساخته اند که سردر قلعه قرار دارد، تا بتوانند از ورودی قلعه حفاظت کنند.

ب) فضای داخل قلعه و بناهای موجود آن محدود است و مقاومت و دفاع از قلعه در تهاجمها و محاصره های طولانی ممکن نیست.

ج) قلعه گنجایش جمعیت بسیار را ندارد. بنا بر این، مکان حصار گرفتن مردم عادی در هنگام جنگ و حصر نبوده است.

پیداست که اطمینان یافتن از این حدسیات به تحقیقهای بیشتر نیاز دارد.

۴. صفه

این صفه را با قلوه سنگ در دامنه جنوبی کوه ساخته اند. مکان صفه را چنان انتخاب کرده اند که شیبی ملایم تر از نقاط هم تراز آن در دامنه دارد. دیواره سنگی صفه در مرتفع ترین نقطه در حدود ۵م بلندی دارد. متأسفانه بناهایی که بر روی صفه بوده یکسره ویران شده و تلهایی از آنها مانده است. از بررسی سطحی صفه و نیز قسمتهایی که بر اثر حفاری غیر مجاز آشکار شده است می توان گفت که بناهای صفه را از خشت و گل، با سقف هلالی به شیوه ساسانی ساخته بوده اند (ت ۱۰).

با تأمل در بقایای بناها، با توجه به بالاترین نقطه



ت. ۱۰. صفحه

درباره کارکرد صفا و بناهایش نمی توان نظر قطعی داد. صفا بر چهارطاقی و محوطه پیرامون آن مشرف است؛ اما چون از سمت ارتفاعات واقع در سوی آن قابل نفوذ است، کارکرد دفاعی نداشته است.

حاصل سخن

شواهد و مدارک باستان‌شناختی بی‌تردید بر وجود جامعه‌ای دینی- نظامی در دوره ساسانیان در منطقه شیرکوه گواهی می‌دهد. چهارطاقی به منزله نمادی دینی و قلعه به منزله نمادی نظامی، البته با عنایت به محدودیت‌های آن که پیش از این بیان شد، از استقرار جامعه‌ای مبتنی بر دین و با تدابیر دفاعی حکایت می‌کند. هرچند بررسی مسیر شکل‌گیری و توسعه و اضمحلال این جامعه نیازمند جستجوی باستان‌شناختی گسترده‌ای است؛ می‌توان برخی از مصادیق متجلی در آثار معماری را بدین گونه تفسیر کرد:

تجزیه ملاط به‌کاررفته در بنای قلعه و چهارطاقی گویای قرابت ترکیب ملاط در این دو بناست. از اینجا می‌توان حدس زد که اولاً زمان ساخت این دو بنا نزدیک بوده است و اختلاف سن آنها قابل اغماض است؛ ثانیاً مردمان منطقه در طی زمانی طولانی برای ساختن ملاط بناهایشان از معدن خاک معینی استفاده می‌کردند و در این باره تجربه اندوخته بودند.

موقعیت قرارگیری دو بنای مذکور و صفا چنان است که هریک از بناها بر دیگری کاملاً مشرف است. از این رو، احتمال دارد که اولاً مجموعه بناهای محوطه شیرکوه را بر اساس نقشه مهندسی ساخته باشند؛ ثانیاً همه مجموعه را در مدتی کوتاه ساخته باشند.

استفاده از سنگ لاشه در ساخت بناها نشان رایج نبودن هنر حجاری در معماری منطقه، یا شاید بازتابی از طرز نگرش به معماری، قابلیت صنعتی، توانایی اقتصادی جامعه، و کارکرد بنا باشد. استفاده از سنگ نشان می‌دهد که استواری سازه‌های بناها بسیار مهم بوده است. نوع مصالح، شیوه اجرا، ضخامت جرزها، و تدابیر مقاوم‌سازی (ایجاد پشتیبان) نیز مؤید همین است.

در ساخت بناهای داخلی قلعه و صفا و حصار چهارطاقی از خشت و گل استفاده کرده‌اند. بنای مرکزی قلعه تنها بنای قلعه است که آن را با سنگ ساخته‌اند. این کیفیت نشان اهمیت و اعتبار آن است، که با ایجاد قرنیز و تونشستگی طاق سردرها و تزئینات بر آن تأکید شده است. بر این اساس و نیز محدودیت فضای این بنا، احتمال می‌دهیم که این بنا کارکرد دینی داشته است.

منطقه نایب در دوره ساسانیان اهمیتی ویژه داشته است. مؤید آن وجود سه چهارطاقی مهم در این منطقه است. متأسفانه مورخان و جهانگردان پیشین، و حتی مورخان و باستان‌شناسان امروز، به آن بی‌مهری کرده‌اند. □

کتاب‌نامه

- جبل عاملی، رکسانا. گزارش آنالیز ملاط‌های چهار بنای دوره ساسانی، اصفهان، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان، ۱۳۸۶، منتشر نشده.
جعفری زند، علیرضا، اصفهان پیش از اسلام، انتشارات آن، تهران، ۱۳۸۱.

پی‌نوشتها:

۱. کارشناس باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان
۲. چهارطاقی محوطه شیرکوه در بهمن ماه ۱۳۸۱ ش به شماره ۷۲۲۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید.
۳. نمونه مشابه این فن را نگارنده در قلعه بزی مبارکه متعلق به دوره ساسانیان و قلعه دیو اصفهان، احتمالاً ساسانی، مشاهده کرده است. شایان ذکر است که قلعه بزی در محدوده شهر مبارکه و در جوار روستای حسن‌آباد واقع است، که در کاوشهای آقای محسن جاوری در سال ۱۳۸۳ ش در نزدیکی این قلعه دو غار و یک پناهگاه سنگی متعلق به دوره موستری (۶۰۰۰ سال قبل) کشف شد. شاه‌دز یا قلعه دیو بر فراز کوه صفا در جنوب شهر اصفهان قرار دارد. این قلعه، بر اساس شواهد معماری و باستان‌شناختی، متعلق به دوره ساسانیان است. در دوران اسلامی، به‌ویژه اسماعیلیان به‌کرات از آن استفاده کرده‌اند. برای اطلاع بیشتر، نک: جعفری زند، اصفهان پیش از اسلام.